

Der Happen لغت روز Wort des Tages

written by مرتضی غلام نژاد | ژوئن 15, 2017

Der Happen یک اسم مذکر می باشد

Eine kleine Portion zu essen

یک مقدار کم غذا خوردن ، یک پرس کوچک غذا خوردن

منظور یک پرس آلمانی است نه یک پرس ایرانی ؟

لقمه ، ذره (در غذا خوردن) ، یه گاز کوچولو (در غذا خوردن)

„Ich habe keinen großen Hunger, aber einen Happen könnte ich essen,“

من خیلی گرسنه نیستم ، اما یک لقمه می تونم بخورم

دقت کرده اید که در فارسی مثلا گفته می شود : خیلی گشنه ام نیست اما یه گاز میزنم یا اینکه خیلی گشنه ام نیست اما یه ذره میخورم یا یک لقمه میزنم ، دقیقا اسم مذکر Happen نیز کاربردی این چنین دارد.

Einen Happen essen

یک لقمه غذا را خوردن

Ein tüchtiger Happen

یک لقمه درست حسابی

یک لقمه خوب و عالی

Ich habe noch keinen Happen gegessen

من هنوز یک ذره هم نخورده‌ام

من هنوز یک لقمه هم نخورده‌ام

من هنوز یک گاز هم نزده‌ام

In einem kleinen Restaurant aßen wir einen Happen und gingen dann gemeinsam zur Bank

در یک رستوران کوچک ما یک لقمه غذا خوردیم و پس از آن با یکدیگر به آن بانک رفتیم

در یک رستوران کوچک ما یک ذره غذا خوردیم و پس از آن با یکدیگر به آن بانک رفتیم

Das Fleisch hat er in kleine Happen geschnitten, damit jeder etwas davon abbekommt

او آن تکه گوشت را به ذره های کوچک تر برش داد ، تا بدین وسیله هر کسی یک تکه از آنرا بدست بیاورد

Ich könnte jetzt einen Happen vertragen, der Magen hängt mir schon zwischen den Knien

من می توانم الان یک لقمه بزنم ، معده (ام) بین زانوهایم لنگ در هوا معلق است

معمولا در فارسی گفته می شود : روده بزرگه روده کوچیک رو خورد! ، یعنی درست آن زمانی که شکم آدم به خاطر گشنگی

صدای ناجوری میدهد ، می شود معادل آن در آلمانی این اصطلاح را به کار برد :

Der Magen hängt mir schon zwischen den Knien

روده بزرگه روده کوچیکه رو خورد

با این توضیح که صدای قار و قور شکم نیز بلند شده است

نکته : بعضی ها می گویند روده کوچیکه روده بزرگه رو خورد! به هر حال فرقی نمیکند منظور سر و صدای است که از شکم به

خاطر گرسنگی بلند میشود یا قار و قور کردن شکم است

می توان اصطلاحاتی همچون معده ام سوراخ شد ، مُردم از گشنگی و ... را که در فارسی بیان میکنیم با استفاده از اصطلاح

گفته شده نیز در آلمانی بکار ببریم

Der Magen hängt mir schon zwischen den Knien

مُردم از گشنگی ، معده ام سوراخ شد